

رشد و یادگیری حرکتی - ورزشی - پاییز و زمستان ۱۳۹۰

شماره ۸ - ص ص : ۹۸ - ۸۱

تاریخ دریافت : ۲۸ / ۰۶ / ۹۰

تاریخ تصویب : ۲۹ / ۰۹ / ۹۰

مقایسه پنج عامل بزرگ شخصیتی بین مردان و زنان ورزشکار و غیرورزشکار

جمال فاضل کلخوران^۱

استادیار دانشگاه تهران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه پنج عامل بزرگ شخصیتی بین مردان و زنان ورزشکار و غیرورزشکار اجرا شد. ۲۰۰ دانشجوی ورزشکار و غیرورزشکار (۱۰۰ پسر و ۱۰۰ دختر) پرسشنامه NEO-FFI (فرم کوتاه تجدیدنظر شده پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیتی) را کامل کردند. به منظور تعیین تفاوت‌های کلی بین گروه‌های تحقیق از آزمون تحلیل واریانس دواراه و برای مقایسه و تعیین دقیق میانگین تفاوت‌های موجود بین هریک از گروه‌ها با دیگر گروه‌های تحقیق، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد در عوامل شخصیتی روان‌رنجور خوبی، برونگرایی، سازگاری و وظیفه‌شناسی، بین گروه‌های تحقیق، تفاوت معناداری وجود دارد اما بین هیچ‌یک از گروه‌های تحقیق، در عامل شخصیتی انعطاف‌پذیری، تفاوت معناداری وجود نداشت. همچنین بین جنسیت و ورزشکار بودن در عامل‌های روان‌رنجور خوبی و انعطاف‌پذیری کنش متقابل تفاوت معناداری وجود نداشت و در سه عامل برونگرایی، سازگاری و وظیفه‌شناسی کنش متقابل اختلاف معناداری مشاهده شد.

واژه‌های کلیدی

شخصیت، پنج عامل بزرگ شخصیتی، مردان ورزشکار، مردان غیرورزشکار، زنان ورزشکار و زنان غیرورزشکار.

Email: Jfazzel@ut.ac.ir

۱ - نویسنده مسئول : تلفن : ۹۱۲۲۸۶۳۸۴۸

مقدمه

شخصیت، مفهومی کلی است، بنابراین بین روانشناسان مختلف برای تعریف ماهیت آن توافق نظر وجود ندارد. از این رو روانشناسان مایلند به جای بحث درباره ماهیت شخصیت، به تدوین نظریه‌های مختلف و بررسی روش‌های ارزیابی آن بپردازند (۶).

بسیاری از روانشناسان معتقدند ساخت اصلی شخصیت آدمی از طریق پنج صفت کلی، نشان داده می‌شود. براساس این مدل، شخصیت از پنج بعد اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: روان‌رنجورخویی (N)، برونگرایی (E)، انعطاف‌پذیری (O)، سازگاری (A) و وظیفه‌شناسی (C). حجم انبوهی از تحقیقات در زبان‌های مختلف و با ابزارها و نمونه‌های متفاوت، اصلی بودن این پنج عامل را تأیید کرده و نشان داده‌اند پنج عامل مذکور از اعتبار همگرا و تفکیکی بین ابزار و ناظر، به‌خوبی برخوردارند و طی تحول فرد نیز نسبتاً پایدار می‌مانند (۱۲).

در بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد، جنسیت و صفات جسمانی آنها همیشه مورد توجه بوده است. نتایج پژوهش‌های کاستا و همکاران^۱ (۱۹۹۲) نشان داد که زنان در مقایسه با مردان در صفات روان‌رنجورخویی و سازگاری نمره‌های بیشتری به‌دست می‌آورند (۲۲). الگوی تفاوت‌های جنسیتی مشاهده‌شده در پنج عامل بزرگ شخصیت در تحقیق مک کری^۲ و تراسینو و همکاران^۳ (۲۰۰۵) (۳۳) با یافته‌های کاستا و همکاران (۱۹۹۲) همسو بود. نتایج مطالعات گودوین^۴ و گاتلیب^۵ (۲۰۰۴) (۳۰) و گلدبرگ و همکاران^۶ (۱۹۹۸) (۲۹) درباره الگوی تفاوت‌های جنسیتی در صفات شخصیتی روان‌رنجور خویی و سازگاری، یافته‌های کاستا و همکاران (۱۹۹۲) و مک کری و همکاران (۲۰۰۵) را تکرار کرد. فیگولد^۷ (۱۹۹۴) خاطرنشان کرد یافته‌های به‌دست‌آمده در پژوهش‌های مختلف درباره تفاوت‌های جنسیتی در عوامل برونگرایی و پذیرش ناهماهنگ بوده است (۲۶). برای مثال کاستا و همکاران (۲۰۰۱) در بررسی الگوی تفاوت‌های جنسیتی در صفات شخصیت نشان دادند، مردان در برخی وجوه عامل پذیرش مانند پذیرش عقاید جدید و زنان در وجوه پذیرش زیبایی‌شناسی و احساسات از عامل

1 - Costa & et al

2 - McCrae, R. R

3 - Terracciano & et al

4 - Goodwin, R.D

5 - Gotlib, I.H

6 - Goldbert & et al

7 - Feigold

پذیرش نمره بیشتری کسب می‌کنند. علاوه بر این، مردان در وجه هیجان‌خواهی در عامل برونگرایی و زنان در وجه گرم بودن از بین وجوه عامل برونگرایی نمره بیشتری کسب کردند (۲۳). همچنین نتایج پژوهش‌های کاستا و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد که بین دو جنس در عامل وظیفه‌شناسی و وجوه آن تفاوت معناداری وجود ندارد.

فیلیو و همکاران^۱ (۲۰۰۵) به مقایسه ویژگی‌های شخصیتی غیرورزشکاران و ورزشکاران سطح بالای برزیلی پرداختند و نتیجه گرفتند در ۸ عامل از ۱۲ عامل مورد بررسی (بازداری یا جلوگیری از بروز احساسات، کج‌خلقی یا زودرنجی، تجاوزکاری یا هتاکی، بی‌حوصلگی، دادخواهی، دلواپس سلامتی بودن، رک‌گویی و تهییج‌پذیری)، اختلاف معناداری بین دو گروه ورزشکاران و غیرورزشکاران، وجود دارد (۲۷). کاژتنا و همکاران^۲ (۲۰۰۴) با استفاده از مقیاس پنج عاملی شخصیت، شخصیت را بین ورزشکاران رشته‌های ورزشی با ریسک زیاد بررسی کردند و نتیجه گرفتند ورزشکاران رشته‌های با ریسک زیاد، در عامل ثبات احساسات نمره‌های بیشتر و در عوامل وظیفه‌شناسی و گشودگی نمره کمتری در مقایسه با ورزشکاران رشته‌های با ریسک کم کسب کردند. همچنین، در عامل قابلیت پذیرش نیز تفاوتی بین دو گروه به چشم نخورد (۳۱). محمودی (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی رابطه علی پنج عامل شخصیت، حجم تمرین و عملکرد ورزشی ورزشکاران رشته‌های کشتی و فوتبال پرداخت. تفاوت معناداری بین گروه ورزشکاران و غیرورزشکاران در عوامل شخصیتی روان‌رنجورخویی، برونگرایی، گشودگی و با وجدانی به‌دست آمد (۱۲). همچنین نتایج تحقیق شکری و همکاران (۱۳۸۶) با هدف بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر در عوامل روان‌رنجورخویی و سازگاری و دانشجویان پسر در مقایسه با دانشجویان دختر در عامل‌های برونگرایی و وظیفه‌شناسی و پذیرش به‌طور معناداری نمره‌های بیشتری گزارش کرده‌اند (۵). دوبرسک و بارتلینگ^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان «پیوند بین نوع شخصیت و ورزش‌ها» ورزشکاران چهار رشته مختلف (سه رشته انفرادی و یک رشته تیمی) را با غیرورزشکاران مقایسه کردند. نتایج نشان داد ورزشکاران رشته‌های تیمی بیش از ورزشکاران رشته‌های انفرادی عصبی و ناپایدارند (۲۴). درحالی‌که اعتمادنیا و بشارت (۲۰۱۰) نتیجه گرفتند که ورزشکاران ورزش‌های انفرادی و وظیفه‌شناسی و خودپیزی و ورزشکاران ورزش‌های تیمی در

1 - Filho, M.G.B & et al

2 - Kajtna, T & et al

3 - Dobersek & Bartling

همسازی و روابط اجتماعی بهتر بودند. در این پژوهش تفاوت معناداری بین دو گروه در عوامل روان رنجورخویی، برونگرایی و انعطاف پذیری به دست نیامد (۲۵). مارک آلن و همکاران^۱ (۲۰۱۱) مدل پنج عاملی شخصیت و رفتارهای مقابله‌ای در ورزش را بررسی کردند و ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی بین ورزشکاران سطح بالا و سطح پایین و بین مردان و زنان ورزشکار، و بین ورزشکاران ورزش‌های انفرادی و تیمی مشاهده شد (۳۲). شکرچی‌زاده و کریمیان (۲۰۱۰) در پژوهشی ارتباط شخصیت با شادی را در دانشجویان پسر ورزشکار و غیرورزشکار بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد که ورزشکاران با وجود شاد بودن با غیرورزشکاران تفاوت معناداری ندارند (۳۶). کارول لین پاتریک^۲ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «ارتباط پنج صفات بزرگ شخصیتی و نمرات دانشجویان» به ارزیابی دانشجویان از استادان و دوره‌های آموزشی در سطح دانشگاه‌ها پرداخت. نتایج نشان داد که اختلاف معناداری در صفات مورد علاقه در استادان یعنی برونگرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی وجود دارد، درحالی‌که صفت روان رنجورخویی جزو نتایج تحقیق نبود. هیچ اثر چشمگیری در نمره‌های استادان وجود نداشت (۲۰).

در تحقیقات فراوانی به وجود تفاوت‌های معنادار از ابعاد گوناگون شخصیتی، بین ورزشکاران و غیرورزشکاران و مردان و زنان پرداخته شده است، ولی تفاوت‌های موجود بین گروه‌های مردان و زنان ورزشکار و غیرورزشکار بررسی نشده است. از این رو بررسی تفاوت‌های موجود در این مقیاس استاندارد، بین زنان و مردان ورزشکاران و غیرورزشکاران، لازم به نظر می‌رسد و هدف تحقیق حاضر بود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات علی - مقایسه‌ای و از نظر هدف کاربردی است. همچنین به لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات میدانی است. روش جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای و در برخی موارد مصاحبه بود. افراد جامعه آماری تحقیق، تمامی دانشجویان دختر و پسر ورزشکار و غیرورزشکار ساکن خوابگاه‌های کوی دانشگاه تهران بودند که با استفاده از روش خوشه‌ای تصادفی ساده حجم نمونه و براساس فرمول کوکران برابر ۲۰۰ نفر

1 - Mark S.Allen, Iain-Green less & Marc - Jones

2 - Carol Lynn Patrick

تعیین شدند که در چهار گروه مردان ورزشکار، مردان غیرورزشکار، زنان ورزشکار و زنان غیرورزشکار قرار گرفتند.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه استاندارد شخصیتی NEO-FFI (فرم کوتاه تجدیدنظرشده پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت) کاستا و مک‌گری (۱۹۹۲) شامل ۶۰ سؤال بود. شاخص‌های مورد بررسی شامل پنج عامل شخصیتی روان‌رنجورخویی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی بود که هر کدام از طریق ۱۲ گویه، اندازه‌گیری می‌شوند. تمامی گویه‌های این پرسشنامه، به‌صورت پنج‌گزینه‌ای (طیف لیکرت) پاسخ داده می‌شوند و هر گویه، امتیازی بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد. براساس نتایج تحقیق کاستا و مک‌گری (۱۹۹۲)، در هر کدام از شاخص‌های پنج‌گانه مورد بررسی، هرچه نمره پاسخگو بیشتر باشد، شدت شاخص مورد نظر نیز بیشتر خواهد بود (۸).

اعتبار و پایایی

اعتبار پرسشنامه استاندارد شخصیتی NEO-FFI در تحقیق کاستا و مک‌گری (۱۹۹۲)، برای شاخص‌های پنج‌گانه روان‌رنجورخویی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی، به‌ترتیب برابر ۰/۸۵، ۰/۷۸، ۰/۸۷، ۰/۹۰ و ۰/۸۳ گزارش شده است (۸).

بررسی‌های گوناگون در گروه‌های سنی و فرهنگی مختلف حاکی از اعتبار آزمون پنج‌عاملی است. نتایج مشابه بسیاری روی مردان و زنان، سفیدپوست‌ها و غیرسفیدپوست‌ها، جوانان و میانسالان و بزرگسالان به‌دست آمده است. بنابراین آزمون دارای اعتبار عاملی خوبی در گروه‌های جنسی سنی و نژادی مختلف است. آزمایش مجدد و همسانی درونی که در مورد مقیاس‌های ساخته‌شده و بررسی‌های انجام‌یافته در گروه‌های سنی و فرهنگ‌های مختلف به‌کار رفته، حاکی از پایایی آزمون است (۴).

این پرسشنامه را دکتر گروسی فرشی به فارسی ترجمه کرده و روی دانشجویان ایران هنجاریابی شده است. در ایران نیز ضریب پایایی به‌دست‌آمده برای عوامل C-A-O-E-N به‌ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ بوده است (۴).

در این تحقیق، برای سنجش پایایی شاخص‌ها و مقدار همبستگی درونی گویه‌هایی که شاخص‌ها را تشکیل می‌دهند، ابتدا حدود ۳۰ پرسشنامه، قبل از پرسشنامه اصلی، توسط ۳۰ دانشجوی ورزشکار و غیرورزشکار از همان جامعه آماری مذکور، تکمیل شد و با استفاده از آلفای کرونباخ، همبستگی درونی گویه‌هایی که شاخص‌ها را تشکیل می‌دادند، سنجیده شد و پس از اطمینان از پایایی مناسب ابزار، برای گردآوری اطلاعات از آن استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ شاخص‌های روان‌رنجورخویی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۹۲، ۰/۸۸، ۰/۹۴ و ۰/۷۹ درصد به دست آمد. مقدار آلفای کرونباخ مورد تأیید و قابل قبول ۰/۷۰ است. از این‌رو شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق، از پایایی لازم برای سنجش برخوردارند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام تحقیق، اطلاعات حاصل از پرسشنامه استاندارد شخصیتی NEO-FFI کدگذاری و وارد نرم‌افزار آماری شد. سپس متغیرها و شاخص‌های اصلی تحقیق بررسی شد. در مرحله بعد، برای تعیین تفاوت‌های کلی بین گروه‌های تحقیق، از آزمون تحلیل واریانس دوره‌ای و به منظور رسم جداول فراوانی و نمودارها، از نرم‌افزار EXCEL استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

بررسی وضعیت توزیع داده‌ها

در این بخش، به منظور بررسی وضعیت توزیع داده‌های هر کدام از شاخص‌های تحقیق در هر گروه، از آزمون ناپارامتریک کلموگروف - اسمیرنوف^۱ استفاده شد. از این آزمون، برای بررسی ادعای طبیعی بودن توزیع داده‌های یک متغیر استفاده می‌شود. طبیعی بودن توزیع داده‌ها، یکی از پیش‌شرط‌های آزمون آماری تحلیل واریانس است. نتیجه آزمون ناپارامتریک کلموگروف - اسمیرنوف در نرم‌افزار، شامل یک خروجی است که در آن به ترتیب تعداد داده‌ها، شاخص‌های مورد نظر در بررسی وجود توزیع مانند میانگین و انحراف معیار در توزیع نرمال سطح معناداری ارائه می‌شوند. چنانچه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ درصد باشد، ادعای طبیعی بودن توزیع داده‌ها پذیرفته نمی‌شود.

1 - One - Sample Kolmogorov - Smirnov Test

جدول ۱ - بررسی توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق در گروه مردان ورزشکار

شاخص	تعداد	سطح معناداری
روان رنجورخویی	۵۰	۰/۰۵۲
برون گرایی	۵۰	۰/۱۱۲
انعطاف پذیری	۵۰	۰/۰۹۳
سازگاری	۵۰	۰/۰۸۸
وظیفه‌شناسی	۵۰	۰/۰۶۲

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سطح معناداری برای تمامی متغیرها بیش از ۰/۰۵ درصد است، به عبارت دیگر، براساس نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، توزیع داده‌های متغیرهای مورد نظر در گروه مردان ورزشکار طبیعی است.

جدول ۲ - بررسی توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق در گروه مردان غیرورزشکار

شاخص	تعداد	سطح معناداری
روان رنجورخویی	۵۰	۰/۰۸۱
برون گرایی	۵۰	۰/۰۷۶
انعطاف پذیری	۵۰	۰/۰۶۸
سازگاری	۵۰	۰/۰۵۹
وظیفه‌شناسی	۵۰	۰/۰۵۸

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، سطح معناداری برای تمامی متغیرها بیش از ۰/۰۵ درصد است. به عبارت دیگر، براساس نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، توزیع داده‌های متغیرهای مورد نظر در گروه مردان غیرورزشکار، طبیعی است.

جدول ۳ - بررسی توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق در گروه زنان ورزشکار

شاخص	تعداد	سطح معناداری
روان رنجورخویی	۵۰	۰/۱۲۷
برون‌گرایی	۵۰	۰/۱۳۴
انعطاف‌پذیری	۵۰	۰/۱۵۲
سازگاری	۵۰	۰/۱۴۱
وظیفه‌شناسی	۵۰	۰/۱۴۱

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، سطح معناداری برای تمامی متغیرها، بیش از ۰/۰۵ درصد است. به عبارت دیگر، براساس نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، توزیع داده‌های متغیرهای مورد نظر در گروه زنان ورزشکار طبیعی است.

جدول ۴ - بررسی توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق در گروه زنان غیرورزشکار

شاخص	تعداد	سطح معناداری
روان رنجورخویی	۵۰	۰/۱۷۲
برون‌گرایی	۵۰	۰/۱۶۹
انعطاف‌پذیری	۵۰	۰/۱۱۴
سازگاری	۵۰	۰/۱۶
وظیفه‌شناسی	۵۰	۰/۱۵۳

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، سطح معناداری برای تمامی متغیرها بیش از ۰/۰۵ درصد است. به عبارت دیگر، براساس نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، توزیع داده‌های متغیرهای مورد نظر در گروه زنان غیرورزشکار طبیعی است.

جدول ۵ - بررسی کلی اختلاف میانگین بین گروه‌های تحقیق در پنج عامل بزرگ شخصیتی

سطح معناداری	F مقدار	درجات آزادی	آماره شاخص	بررسی اختلاف میانگین بین گروه‌های
۰/۰۰۱*	۳۰/۴۱۸	۱	روان رنجورخویی	ورزشکار و غیرورزشکار
۰/۰۰۱*	۵۰/۱۷۰	۱	روان رنجورخویی	مردان و زنان
۰/۰۰۱*	۵۰/۱۷۰	۱	روان رنجورخویی	کنش متقابل جنسیت و ورزشکار بودن
۰/۰۰۱*	۶۰/۹۷۰	۱	برون‌گرایی	ورزشکار و غیرورزشکار
۰/۰۰۱*	۳۷/۷۹۱	۱	برون‌گرایی	مردان و زنان
۰/۰۰۱*	۱۳/۰۳۲	۱	برون‌گرایی	کنش متقابل جنسیت و ورزشکار بودن
۰/۰۴۰	۴/۲۹۲	۱	انعطاف‌پذیری	ورزشکار و غیرورزشکار
۰/۰۴۰	۱۳/۰۶۹	۱	انعطاف‌پذیری	مردان و زنان
۰/۰۶۷۵	۰/۱۷۶	۱	انعطاف‌پذیری	کنش متقابل جنسیت و ورزشکار بودن
۰/۰۶۶۳*	۰/۱۹۲	۱	سازگاری	ورزشکار و غیرورزشکار
۰/۰۲۲۳*	۱/۵۰۲	۱	سازگاری	مردان و زنان
۰/۰۰۰	۱۹/۹۲۹	۱	سازگاری	کنش متقابل جنسیت و ورزشکار بودن
۰/۰۱۷۳*	۱۸/۷۳۹	۱	وظیفه‌شناسی	ورزشکار و غیرورزشکار
۰/۰۲۵*	۱۱/۸۲۳	۱	انعطاف‌پذیری	مردان و زنان
۰/۰۰۳*	۹/۳۲۹	۱	انعطاف‌پذیری	کنش متقابل جنسیت و ورزشکار بودن

جدول ۵ بررسی اختلاف میانگین بین سه گروه مردان و زنان و کنش متقابل جنسیت و ورزشکار و غیرورزشکار بودن در پنج شاخص روان رنجورخویی، برونگرایی، انعطاف پذیری، سازگاری و وظیفه شناسی را نشان می دهد.

نتایج آزمون آماری دوره نشان داد که اختلاف معناداری بین ورزشکاران و غیرورزشکاران در عامل شخصیتی روان رنجورخویی وجود دارد. این اختلاف معنادار در گروه های مردان و زنان نیز در عامل شخصیتی روان رنجورخویی مشاهده شده ولی هیچ اختلاف معناداری در جنسیت و ورزشکار بودن کنش متقابل در عامل شخصیتی روان رنجورخویی مشاهده نشد. در عامل شخصیتی برونگرایی، هر سه گروه ورزشکار و غیرورزشکار، مردان و زنان و کنش متقابل جنسیت و ورزشکار بودن اختلاف معناداری را نشان دادند. در عامل شخصیتی انعطاف پذیری نتایج آزمون آماری دوره نشان داد که اختلاف معناداری بین ورزشکاران و غیرورزشکاران و گروه های مردان و زنان وجود دارد. این اختلاف معنادار در جنسیت و ورزشکار بودن کنش متقابل در عامل شخصیتی انعطاف پذیری مشاهده نشد. در عامل شخصیتی سازگاری کنش متقابل اختلاف معناداری بین هر سه گروه ورزشکار و غیرورزشکار، مردان و زنان و کنش متقابل جنسیت ورزشکار مشاهده شد. در شاخص وظیفه شناسی نیز هر سه گروه ورزشکار و غیرورزشکار، مردان و زنان و کنش متقابل جنسیت و ورزشکار اختلاف معنادار آماری را نشان دادند.

بحث و نتیجه گیری

باتوجه به اهداف و پرسش های تحقیق، ابتدا نتایج اختلاف میانگین شاخص های شخصیتی در گروه های مورد بررسی با گروه های مربوط مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از جمله نتایج تحقیق حاضر وجود تفاوت معنادار بین ورزشکاران و غیرورزشکاران در عوامل شخصیتی روان رنجورخویی و برونگرایی بود. این یافته به لحاظ محتوایی با نتایج اهری هاشمی (۱۳۷۵)، بخردی (۱۳۷۶)، غیور (۱۳۷۷)، مدیرخامنه (۱۳۷۸)، جعفرنژاد (۱۳۸۲)، شگری و همکاران (۱۳۸۷)، محمودی (۱۳۸۷)، بورنیک و همکاران (۲۰۰۵) و فیلیو و همکاران (۲۰۰۵)، بورنیک و همکاران (۲۰۰۵) در عامل روان رنجورخویی و ترینیچ و همکاران (۲۰۰۸) در عامل برونگرایی همسو است اما با

یافته‌های ناصری تفتی (۱۳۸۵) و ریتز و همکاران (۲۰۰۷) و بورنیک و همکاران (۲۰۰۵) در عامل برونگرایی، غیرهمسو است. در این حالی بود که تحقیق ریتز و همکاران (۲۰۰۷) و شکرچی‌زاده و کریمیان (۲۰۱۰) هیچ تفاوت معناداری را در عوامل شخصیتی روان‌رنجورخویی و برونگرایی نشان نداد.

در مورد این یافته تحقیق می‌توان گفت ورزش به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای نظامدار، مستلزم نشاط، شادابی، سرزندگی و فعالیت بیشتر و در مقابل اضطراب، افسردگی، نگرانی، ترس و دستپاچی کمتر است. این ملزومات با ویژگی‌های شخصیتی برونگرایی و روان‌رنجورخویی مرتبط هستند. این رابطه را می‌توان اینگونه تبیین کرد که ویژگی‌های شخصیتی برونگرایی بیشتر و روان‌رنجورخویی کمتر، فرد را برای درگیر شدن در فعالیت‌های ورزشی آماده‌تر می‌سازد. افرادی که روان‌رنجورخویی (بی‌ثباتی) بیشتری دارند، مضطرب، افسرده، نامعقول و دمدمی‌مزاج‌ترند. به‌نظر می‌رسد این ویژگی‌ها در غیرورزشکاران بیشتر وجود داشته باشد و ممکن است این افراد عزت نفس ضعیف‌تری داشته باشند و بیشتر مستعد داشتن احساس گناه باشند (۳). به‌علاوه یکی از راه‌های مقابله با استرس، افسردگی، اضطراب و ناراحتی‌های روحی که اغلب در اثر کم‌حرکتی تشدید می‌شوند فعالیت‌های ورزشی و حرکات نرمشی است. ورزش، دمای بدن را افزایش می‌دهد و به ترشح موادی در بدن منجر می‌شود که شادمانی ایجاد می‌کنند. همچنین اعتماد به نفس و احساس رضایت فردی را که در افراد افسرده کاهش می‌یابد، زیاد می‌کند. در ضمن، ورزش با بهبود فعالیت سیستم عصبی، موجب خونسردی، نرمش و بهبود مهارت‌ها می‌شود. پرداختن به بازی و ورزش، اصولاً موجب انبساط خاطر و شادابی می‌شود.

بین ورزشکاران و غیرورزشکاران در صفات شخصیتی عوامل انعطاف‌پذیری و وظیفه‌شناسی تفاوت معناداری مشاهده شد. این یافته‌های تحقیق به لحاظ محتوایی، همسو با نتایج شکری و همکاران (۱۳۸۷)، مونترات (۱۹۹۱) و فلیو و همکاران (۲۰۰۵) بن جکسون (۲۰۱۰) و ترینیچ و همکاران (۲۰۰۸) در عامل انعطاف‌پذیری است. اما با نتایج تحقیقات جعفرنژاد (۱۳۸۲) و کاژتنا و همکاران (۲۰۰۴) و ریتز و همکاران (۲۰۰۷) مغایر است. در این تحقیق، نمره عامل انعطاف‌پذیری ورزشکاران بیش از حد متوسط و بیشتر از غیرورزشکاران بود. از این رو، به‌نظر می‌رسد به‌دلیل ماهیت مشارکت‌جوی ورزش و فعالیت‌های ورزشی، پاسخ به هیجانات درونی و ارضای آن در قالب فعالیت‌های گروهی و انفرادی ورزشی، تشویق به یادگیری فنون و تجارب جدید برای نیل به موفقیت ورزشی، حضور در جمع‌ها و میادین متفاوت و آشنایی بیشتر با دنیای پیرامون و مسائلی از این دست، فرد را

برای پذیرش تجارب نو آماده‌تر می‌کند و می‌توان گفت فرد ورزشکار، به‌دلیل ماهیت ورزش و متعلقات آن، به شکستن حصار و مرزهای مرسوم و فراگیری راه‌های جدیدتر برای فراگیری و افزودن بر تجربیات خود، واداشته می‌شود (۳).

از دیگر یافته‌های تحقیق حاضر، نبود تفاوت معنادار آماری بین ورزشکاران و غیرورزشکاران در عامل شخصیتی سازگاری بود. این یافته‌های تحقیق، به لحاظ محتوایی با نتایج تحقیقات جعفرنژاد (۱۳۸۲) همسو و با یافته‌های ناصری تفتی (۱۳۸۵)، کاژنتا و همکاران^۱ (۲۰۰۴) و بن جکسون^۲ (۲۰۱۰) مغایر است. این در حالی است که در تحقیقات ریتر و همکاران^۳ (۲۰۰۷) و شکرچی‌زاده و کریمیان (۲۰۱۰) هیچ اثری مشاهده نشد.

در مورد این یافته تحقیق می‌توان گفت که فرد سازگار اساساً ستیزه‌جو، خودخواه و رقابت‌جوست. در مقابل، فرد سازگار اساساً نودوست است، نسبت به دیگران همدردی می‌کند و مشتاق است کمک کند و ایمان دارد دیگران نیز به‌طور متقابل کمک‌کننده هستند. باتوجه به اینکه ورزشکاران ستیزه‌جو و رقابت‌جو هستند، قدرت سازگاری کمتری نسبت به افراد عادی دارند، چون ورزش با حس رقابت و ستیزه‌جویی همراه است که این می‌تواند دلیل نبود تفاوت معنادار در ورزشکاران و غیرورزشکاران باشد (۱۲).

زنان به‌طور کلی در بعد شخصیتی روان‌رنجورخویی نمره‌های کمتری نسبت به مردان داشتند که گویای ارتباط آن با جنسیت افراد است. به‌عبارت دیگر، مردان نسبت به زنان مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی‌تر هستند و کمتر می‌توانند تکانش‌های خود را کنترل کنند و خیلی ضعیف‌تر از زنان با استرس کنار می‌آیند. این نتایج، تا حدودی با بیشتر یافته‌ها در این زمینه مغایر است که می‌تواند به‌دلیل خطای نمونه‌گیری یا عوامل ژنتیکی باشد. آیزنک (۱۹۸۵) پیشنهاد می‌کند که بی‌ثباتی، اغلب ارثی است و به‌جای یادگیری یا تجربه، حاصل ژن‌هاست. به‌نظر وی بی‌ثباتی، پایه محکمی در فیزیولوژی دستگاه‌های سمپاتیک - پاراسمپاتیک و مغزی احشایی موجود در سیستم لیمبیک دارد. در هر حال، روان‌رنجورخویی کمتر در ورزشکاران مشهود است و به این ترتیب، ورزش و فعالیت‌های ورزشی، بستر پویایی، تجلی و تحقق این ویژگی‌های مثبت شخصیتی می‌شود.

1 - Kajtna & et al

2 - Ben Jackson

3 - Reiter & et al

از دیگر نکات مهم در مورد این دو بد شخصیتی (وظیفه‌شناسی و انعطاف‌پذیری)، نمره‌های بیشتر زنان به نسبت مردان بود و به‌نظر می‌رسد وابستگی به جنسیت، در این صفات نیز قابل تأمل باشد. به عبارت دیگر، زنان وظیفه‌شناس‌تر و انعطاف‌پذیرتر از مردان ارزیابی می‌شوند که می‌تواند ریشه در تنظیمات هورمونی و تفاوت‌های بیولوژیکی داشته باشد. در این زمینه نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت و باید به تفاوت‌های فردی نیز توجه کرد. همچنین زنان به‌طور کلی در بعد شخصیتی سازگاری نمره‌های کمتری نسبت به مردان داشتند که گویای ارتباط آن با جنسیت افراد است. انسان‌شناس معروف مارگارت مید (۱۹۳۵)، مسئله تفاوت‌ها در خلق‌وخوی زنان و مردان را در کتاب «جنس و خلق و خوی» در سه جامعه اصلی مطرح می‌کند. این مطالعه اولیه به این نتیجه می‌رسد که لزومی به وجود تفاوت‌ها در صفات و خلق و خوی بین جنس‌ها نیست. تفاوت‌های مشاهده‌شده در خلق و خوی بین زن و مرد، ناشی از تفاوت‌های زیستی آنها نیست بلکه حاصل تفاوت‌ها در اجتماعی شدن و انتظارات فرهنگی برای هر جنس است. صفات مربوط به جنسیت، خلق و خواها، نقش‌ها و هویت‌های متفاوت، بیش از این به جنس زیستی بستگی ندارد (۱).

در نهایت، نتایج تحقیق نشان داد که بین جنسیت و ورزشکار بودن در عامل‌های شخصیتی برون‌گرایی وظیفه‌شناسی و سازگاری کنش متقابل وجود دارد. باتوجه به اینکه زنان در جامعه محدودیت‌هایی برای ارتباط با دیگر افراد دارند، در این زمینه تحقیقات نشان داده است که زنان ورزشکار، به دلیل شرکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی، مانند تمرین‌ها و مسابقاتها همچنین مقبولیت‌های اجتماعی که به دلیل موفقیت‌های ورزشی احراز می‌کنند، شخصیتی برون‌گرایانه و فعال می‌یابند و واکنش آنها به شرایط مختلف بهتر می‌شود. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد بین جنسیت و ورزشکار بودن در عوامل روان‌رنجورخویی و انعطاف‌پذیری کنش متقابل وجود ندارد. در تعامل بین جنسیت و ورزشکار بودن در عوامل بالا کنش متقابل وجود ندارد که بر این اساس هیچ‌کدام از سطوح دو عامل نتوانسته‌اند در این چهار گروه موجب اثر تعاملی کنش متقابل شوند و پاسخی متفاوت از دیگر گروه‌ها را نشان داده‌اند. به هر ترتیب، در مورد اثر ورزش بر شخصیت انسان، یکی از گسترده‌ترین عقاید این است که ورزش از راه‌های گوناگون بر روحیه و شخصیت ورزشکاران اثر مثبت می‌گذارد. چنین تأثیرات مثبتی، ممکن است موقت یا دائمی باشد. احتمالاً مهم‌ترین جنبه این تأثیرها رشد شخصیت است. علاوه بر رشد شخصیت، ورزش به‌طور مؤثری در تحول جنبه اجتماعی شخصیت یا صلاحیت و شایستگی اجتماع فرد اثر داشته است.

ورزش به‌طور عمومی، سرشار از فرصت‌های مناسب برای برخورد با موانع و مشکلات و اتخاذ شیوه‌های مناسب به‌منظور رفع آنهاست. در پایان پیشنهاد می‌شود به‌منظور بررسی دقیق تفاوت شخصیتی بین ورزشکاران و غیرورزشکاران، هر کدام از پنج عامل شخصیت به‌صورت مستقل، بین جمعیت‌های مختلف، با تفکیک مقاطع سنی پاسخگویان بررسی و تحقیق شود.

منابع و مأخذ

۱. اهری‌هاشمی، ج. (۱۳۷۵). "تعیین و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار مرکز تربیت معلم پسرانه شهید بهشتی مشهد". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲. بخردی، م. (۱۳۷۶). "مقایسه ویژگی‌های شخصیتی معلولین و جانبازان ورزشکار (رشته والیبال نشسته) با معلولین و جانبازان غیرورزشکار". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه گیلان.
۳. جعفرنژاد، پ.، فرزاد، و.، شکری، ا.، مرادی، ع.ر. (۱۳۸۴). "بررسی رابطه میان پنج عامل بزرگ شخصیت، سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روانی در دانشجویان کارشناسی". مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۷۰، صص ۷۴-۵۱، بهار و تابستان.
۴. شکری، ا.، کدیور، پ.، دانشپور، ز. (۱۳۸۶). "تفاوت جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش صفات شخصیت، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار سابق)". سال سیزدهم، شماره ۳، پاییز.
۵. شکری، ا. و همکاران (۱۳۸۷). "تفاوت‌های جنسیتی در عملکرد تحصیلی: نقش صفات شخصیت". مجله علوم رفتاری، دوره دوم، شماره ۲، تابستان.
۶. شولتز، (۱۹۹۰). "نظریه‌های شخصیت". یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقش‌بندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، محمدرضا نیکخو (۱۳۸۷)، تهران، نشر ارسباران.

۷. علیزاده، افسانه. (۱۳۸۱). "مقایسه میزان ابعاد سلامت عمومی در دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار دانشگاه شیراز در رابطه آن با جنسیت". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز (۷۷۷ - ۳۷ در منابع و مآخذ پایان‌نامه).

۸. غیور، م. ر. (۱۳۷۷). "بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مرد ورزشکار و غیرورزشکار دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان.

۹. گروسی فرشی، م. (۱۳۸۱). "کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (NEO) و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان". دومین کنگره روانشناسی بالینی ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

۱۰. گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). "رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت و کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت". نشر جامعه پژوه، نشر دانیال، چاپ اول.

۱۱. محمدی، ز. (۱۳۸۷). "رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و سبک رهبری با بهره‌وری خدمات آموزشی مدیران مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهرستان اسلام‌آباد غرب". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان (۸۸۸ - ۲۶ در منابع و مآخذ).

۱۲. محمودی، نادر. (۱۳۷۸). "بررسی رابطه علی پنج عامل شخصیتی حجم تمرین و عملکرد ورزشی ورزشکاران رشته کشتی و فوتبال". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات، گروه روانشناسی.

۱۳. مدیرخامنه، س. سعیدعامری، م.ح. (۱۳۷۸). "مقایسه صفات شخصیتی در بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار دوره متوسطه شهر سمنان". فصلنامه المپیک، دوره ۷، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان، ص ۱۱۹ - ۱۰۵.

۱۴. ناصری تفتی، ن. (۱۳۸۵). "نقش تعاملی ورزش و ویژگی‌های شخصیتی در تحول روانی اجتماعی دانشجویان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

15. Abdul – Karim, N.S. Zamzuri, N.H.A. Nor, Y.M. (2009). "Exploring the relationship between internet ethics in university students and the big five model of personality". *Computers and education*, 53, PP:86-93.

16. Anjali Patricia, (2010). "Predicting burnout: assessing the incremental validity of emotional intelligence beyond personality". *Alliant international university. Sandiegott*, 133 Pages. 3428766.

17. Ben Jackson, James. A. Dimmock, (2010). "Relationship commitment in athletic dyads: actor and partner effects for big five self – and other – ratings." *School of human movement studies university of queensland Australia*.

18. Budaev, S.V. (1999). "Sex differences in the big five personality factors: testing and evolutionary hypothesis". *Personality and individual differences*. 26: 801-813.

19. Burnik, S., Jug, S., Kajtna, T. Tusak, M. (2005). "Differences in personality traits of mountain climbers and non – athletes in Slovenia *Acta University*". *Palaka, Olomuc, Gymn*, Vol. 35, No. 2, 13-18.

20. Carol Lynn Patrick. (2011). "Student evaluations of teaching: effects of the big five personality traits, grades and the validity hypothesis". *Assessment and evaluation in higher education*. Vol. 36, Issue 2, PP. 239-249.

21. Chirstopher A. Magee and Patrick C.L. Heaven. (2011). "Big – five personality factors, obesity and 2 year weight gain Australian adults". *Journal of research in personality*. Vol. 45, Issue 3, PP. 332-335.

22. Costa, P.T. and McCrae, R.R. (1992). "Revised NEO personality inventory (NEO-PI-R) and NEO five factor inventory (NEO-FFI) professional manual". Psychological assessment resources, Odessa, FL.
23. Costa, P.T., Terracciano, A., and McCrae, R.R. (2001). "Gender differences in personality traits across cultures: robust and surprising findings". *Journal of personality and social psychology*, 81(2), PP:322-331.
24. Dobersek, U., Bartling, C. (2008). "Connection between personality type and sports". *American journal of psychological research*, Vol. 4, No. 1.
25. Etemadi Nia, Mahin. And Besharat, MohammadAli. (2010). "Comparison of athletes personality characteristics in individual and team sports". *Procedia – social and behavioral sciences* Vol. 5, 2010. PP: 808-812.
26. Feigold, A. (1994). "Gender differences in personality methanalysis". *Psychological bulletin*. 116:PP: 426-456.
27. Fiho, M.G.B., Ribeiro. L.C.S. and Garcia, F.G. (2005). "Comparison of personality characteristics between high – level Brazilian athletes and non – athletes". *Rev. Bras Med Esporte*. Vol. 11, 114-118, No. 2, March/April.
28. Goetz man, L., Moser, K.S. (2007). "The interplay of big five personality factors and metaphorical schemas: a pilot study with 20 lung transplant recipients". *The qualitative report*. Vol 12, No. 3. Sep., PP: 397-413.
29. Goldberg, L.R., Sweeney, D., Merenda, P.F., Hughes, J.E. (1998). "Demographic variables and personality: the effect of gender, age, education and ethnic / racial status on self – descriptions of personality attributes". *Personality and individual difference*. 24:PP: 393-403.
30. Goodwin, R.D., and Gotlib, I.H. (2004). "Gender differences in depression: the role of personality factors". *Psychiatry research*. 126: PP:135-142.
31. Kajtna, T., Tusak, M. Baric, R., Burnik, S. (2004). "Personality in high – risk sports athletes". *Kinesiology*, 36, 1: PP:24-34.

-
32. Mark, S. Allen, Iain Green lees and Marc – Jones. (2011). "An investigation of the five – factor model of personality and coping behavior in sport". *Journal of sprots sciences*. Vol. 29, No. 8, PP: 481-850.
33. McCrae, R.R., Terracciano, A. et al. (2005). "Universal feature of personality traits from the observer's perspective: data from 50 cultures". *Journal of personality and social psychology*. 88:PP: 547-561.
34. Montserrat, G.F. (1991). "Personality profile of subjects engaged in thigh physical risk sports person". *Individual 01%*. Vol. 12, No. 10. PP: 1087-1089.
35. Reiter, M.D. Liput, T., Nirmal. R. (2007). "Personality preferences of college student athletes college student journal". <http://www.findarticles.com>
36. Shekarchizadeh. P. and Karimian. (2010). "Personality as predictor of happiness in male athlete and non – athlete students of Isfahan university". Vol. 25 supplement 1, P: 843.